

معنای مبلمان

چکیده

ادوارد لوسی-اسمیت متولد ۱۹۳۳ در کینگستون جامائیکا است. وی تحصیلات خود را در انگلستان تکمیل کرد. لوسی-اسمیت سال‌ها به‌عنوان نویسنده، عکاس، شاعر، منتقد ادبی و مورخ فعالیت داشته‌است و به‌عنوان یکی از پرتألیف‌ترین افراد در زمینه هنر در بریتانیا شناخته می‌شود. این مقاله ترجمه و تلخیصی از مقدمه کتاب "مبلمان، یک تاریخچه موجز" اثر این نویسنده است. وی در یک بررسی عمیق از تاریخ مبلمان نگاهی فراگیر به طراحی و ساخت مبلمان و اثرات متقابل مبلمان و جامعه، داشته است. لوسی-اسمیت مبلمان را از چهار جنبه مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد؛ عملکرد مبلمان، مبلمان به‌عنوان شاخصی از وضعیت اجتماعی، جنبه‌های فن‌آورانه مبلمان و در نهایت روشی که مبلمان مورد استفاده قرار می‌گیرد تا سبک شخصی استفاده کننده‌اش را معرفی کند. وی در بررسی دوره‌های مختلف از پیش از تاریخ تا دوران معاصر که در ۹ بخش آن را تقسیم کرده همواره این چهار رویکرد را در نظر دارد. این کتاب اولین‌بار در ۱۹۷۹ به چاپ رسید و در چاپ سال ۱۹۹۳ مورد بازبینی قرارگرفت. از این منظر بخش‌های پایانی کتاب شامل اتفاقات و رویکردهای جدید در مبلمان و تأثیرات آن‌ها نیست.

کلیدواژه‌ها

مبلمان، تاریخچه مبلمان، عملکرد مبلمان، طراحی، معماری

rahim.aghareb@gmail.com

بازة پذیرش مقاله: ۵ ماه

ترجمه
و تلخیص

ادوارد لوسی-اسمیت متولد ۱۹۳۳ در کینگستون جامائیکا است. وی تحصیلات خود را در انگلستان تکمیل کرد. لوسی-اسمیت سال‌ها به‌عنوان نویسنده، عکاس، شاعر، منتقد ادبی و مورخ فعالیت داشته است و به‌عنوان یکی از پرتألیف‌ترین افراد در زمینه هنر در بریتانیا شناخته می‌شود. این مقاله ترجمه و تلخیصی از مقدمه کتاب «مبلمان، یک تاریخچه موجز» اثر این نویسنده است. وی در یک بررسی عمیق از تاریخ مبلمان، نگاهی فراگیر به طراحی و ساخت مبلمان و اثرات متقابل مبلمان و جامعه، داشته است. لوسی-اسمیت مبلمان را از چهار جنبه مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد: عملکرد مبلمان، مبلمان به‌عنوان شاخصی از وضعیت اجتماعی، جنبه‌های فناوریانه مبلمان و در نهایت روشی که مبلمان مورد استفاده قرار می‌گیرد تا سبک شخصی استفاده‌کننده‌اش را معرفی کند. وی در بررسی دوره‌های مختلف از پیش از تاریخ تا دوران معاصر که در نه بخش آن را تقسیم کرده همواره این چهار رویکرد را در نظر دارد.

این کتاب اولین بار در ۱۹۷۹ به چاپ رسید و در چاپ سال ۱۹۹۳ مورد بازبینی قرار گرفت. از این منظر بخش‌های پایانی کتاب شامل اتفاقات و رویکردهای جدید در مبلمان و تأثیرات آن‌ها نیست.

معنای مبلمان

چیزی روی آن قراردادن (میز و استند)، خوابیدن یا دراز کشیدن روی آن (تخت و کاناپه) یا از آن برای انبارکردن و نگهداری استفاده‌کردن (قفسه و کمد). این عملکردها در بسیاری موارد با هم ترکیب می‌شوند ولی در اکثر آن‌ها تمایز قابل‌توجهی در هر دسته‌بندی وجود دارد. یک قطعه از مبلمان فرم نهایی خود را از طریق طراحی به‌دست می‌آورد که نیاز معین، مشخص و کاملاً تخصصی را برطرف کند.

قرن هجدهم دارای نمونه‌های فراوانی از این گروه است. یک مثال آن صندلی به نام وایوز^۲ (تصویر ۲) است که برای تماشاچیان بازی‌های کارتی ساخته شده بود. از این صندلی دو نوع وجود داشت؛ یکی برای مردان و یکی برای زنان. در انگلیس به غلط آن را صندلی خروس جنگی^۱ می‌نامند. این صندلی به گونه‌ای ست که فرد با پاهای باز از هم، درحالی‌که رو به پشت صندلی دارد، روی آن می‌نشیند. محلی برای قراردادن پاها در کناره‌های پشتی وجود دارد و دست‌ها برای استراحت روی لبه روکش‌شده پشتی قرار می‌گیرد. خانم‌ها به خاطر دامنشان نمی‌توانستند این‌گونه روی صندلی بنشینند بنابراین روی صندلی کوتاه‌تری زانو می‌زدند که دسته‌ای برای استراحت دست‌ها داشت. ایده خلق وایوز با استفاده نابه‌جا از یک صندلی عمودی معمولی^۱ به‌دست آمده بود.

در میان مصنوعات ساخت بشر، مبلمان جایگاهی متفاوت و پرابهام به خود اختصاص داده است. مبلمان برای زندگی انسان ضروری نیست و بعضی از تمدن‌ها به‌خصوص بعضی از اقوام ابتدایی، بدون وجود مبلمان هم، به‌راحتی زندگی کرده‌اند. گونه‌های مبلمان از لحاظ وضعیت و ظاهر موجودیت ثابتی را نشان می‌دهند. درواقع در بعضی سطوح، مبلمان تقریباً جزء لاینفک معماری است. اغلب به مبلمان درجاساخت^۲ در این قرن، مدرن می‌گویند، اما، درحقیقت این‌ها اولین گونه‌هایی از مبلمان است که می‌شناسیم. خانه‌هایی از دوره نوسنگی (تصویر ۱) در اسکارابرا^۳ در اورکنی^۴ دارای مبلمان و فضای خواب درجاساخت است.



تصویر ۱. خانه سنگی پیش از تاریخ در اسکارا برا با نیمکت‌ها و فضاهای خواب ساخت و سازی با توکار



تصویر ۲. صندلی وایوز زنانه اثر ژان باپتیست تیلیارد، سال ۱۷۵۲

دارابودن مبلمان علاوه‌برآنکه نشان‌دهنده سطحی از فرهنگ است؛ نشان‌دهنده ترک‌کردن حالات و عادات حیوانی است. ازاین‌منظر، مبلمان نشیمن^۵ شاید مهم‌ترین نمونه است. استفاده از چهارپایه^۶ یا صندلی برای نشستن، نشان‌دهنده آن است که استفاده‌کنندگان توسط تمدن پیرامون خویش آموزش داده شده‌اند. البته، این به تنهایی به معنی برتری فرهنگی نیست. چهارپایه‌ها و صندلی‌ها تاریخ طولانی و مستمری در اروپای غربی و خاور نزدیک دارند. اما در هند به وضوح بیگانه و ابداً به‌طور عمومی در چین و ژاپن به‌کار گرفته نشدند.

اگر موضوع دقیق‌تر مورد تعمق قرار گیرد، آشکار می‌شود که مبلمان فارغ از دوره زمانی، در زیر چهار عنوان قابل بررسی است.

اولین مورد به‌طور مشخص عملکرد است که این وظیفه عملی، در مقایسه بسیار محدود است؛ روی قطعه‌ای از مبلمان نشستن (چهارپایه، نیمکت و صندلی)،

فضای درون خانه همانند نمایشنامه‌ای است که ما آن را آماده می‌کنیم و با آن پیش می‌رویم. بنابراین تکه‌های مبلمان همانند اجزای ثابت و همواره جابه‌جا شونده در یک کلاژ سه‌بعدی هستند که امروزه در هر مجلهٔ دکوراسیون داخلی گسترده شده‌اند. ریشه‌های این موضوع در قرن هجدهم نهفته است. این رویکرد، توسط فردگرایی^{۱۳} همچون هوراس والپول^{۱۴} و ویلیام بکفورد^{۱۵}، که البته در قرن نوزدهم، هنگامی که تعدد سبک‌ها نهایتاً باعث گسست طبقه‌بندی‌های قبلی شد، گسترش یافت نوعی جاری شدن از یک قطعه به قطعهٔ دیگر که در بسیاری از نمونه‌های هم‌دوره با فضاهای داخلی ویکتوریایی^{۱۶} دیده می‌شود. در این دوره، زمانی بود که قطعاتی مستقل از مبلمانی قدیمی نیروهای جادویی را که امروزه مردمان بدان‌ها نسبت می‌دهند، به‌دست آوردند و نقطه تمرکزی شدند برای ایده‌ها و احساساتی که ضرورتاً با ظاهر محصول در ارتباط نیستند.

مطالعهٔ مبلمان، که از علایق تجمعاتی قرن نوزدهم برخاسته باشد، با وسوسهٔ «عتیقه» عجین شده است. به هر جهت، این کتاب درباره تاریخ مبلمان است، و ارتباط کمی با مفهوم هویت و اصالت در مطالعات انجام شده دارد. این کتاب در عوض سعی می‌کند که وابسته بودن مبلمان به توسعهٔ عمومی جامعه و همچنین روان‌شناسی اشخاص جامعه را نشان دهد.

برای فهمیدن مبلمان گذشته، توجه به این نکته ضروری است که نه فقط انواع حالت‌های مختلف که هر قطعه به تنهایی می‌سازد، برای کسانی که آن را می‌خرند و مورد استفاده قرار می‌دهند مهم است؛ بلکه چیدمان کلی آن نیز مهم است. درواقع، همان‌طور که در تصاویر قدیمی می‌توان دید، کاملاً امکان داشت که یک طراح داخلی کلاسیک قرن هجدهمی را تقریباً با تمامی محتویاتش، فقط با دوباره ساماندهی آنچه در فضا وجود دارد برای تطابق با نیازها و ایده‌های جدید دربارهٔ تعاملات اجتماعی، تغییر شکل داد. چیدمان مبلمان یکی از چیزهایی است که مورخان این موضوع وقت زیادی را برای آن صرف کرده‌اند و نتیجه صرفاً چند کتاب از طراحی‌های داخلی جذاب نیست بلکه تلاش‌های مفیدی در بازآفرینی نمونه‌های درخشانی‌ست مانند هم‌هاوس^{۱۷} و آسترلی^{۱۸} (تصویر ۴) در انگلستان، مل‌مزون^{۱۹} در فرانسه و فضاهای داخلی در کولونیال ویلیامزبورگ^{۲۰} (تصویر ۵) در ایالات متحده.



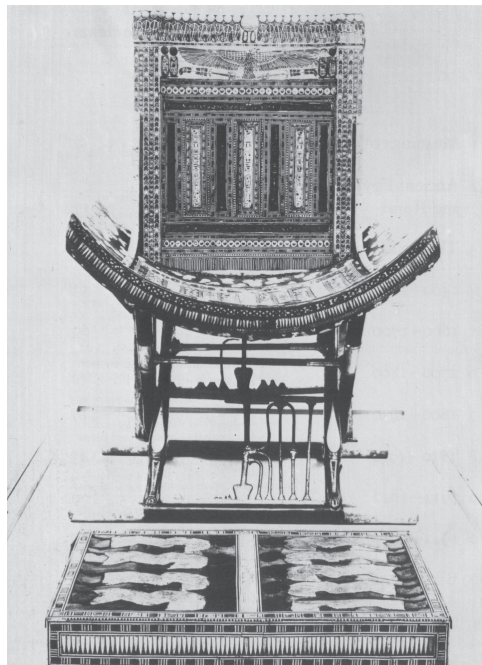
تصویر ۴. چیدمان اثنایه قرن هجدهم، لانگ گالری در آسترلی، میدلکس.



تصویر ۵. چیدمان اثنایه قرن هجدهم، اتاق نشیمن خانه پیتون زندالف، کولونیال ویلیامزبورگ، ویرجینیا.

عنوان دوم، یکی از موضوعاتی است که مورخان مبلمان به تازگی به آن توجه زیادی نشان می‌دهند. مبلمان نقش بسیار مهمی به عنوان شاخص وضعیت اجتماعی بازی می‌کند؛ جامعهٔ سلسله مراتبی‌تر تأکید و تأثیر بیشتری بر این نقش دارد. بنابراین موضوعاتی نظیر آسودگی و راحتی اغلب تحت تأثیر این جریان قرار می‌گیرند. قطعاً مبلمان به‌طور حاشیه‌ای اهمیت کمتری از لباس و وضعیت ظاهری در انتقال این نوع اطلاعات دارد.

سومین رویکرد، بررسی مبلمان از نظر جنبه‌های فن آورانه است. اما، اگرچه این رویکرد، پیشرفت فناوریانهٔ قابل‌قبولی را به‌ویژه در قرن‌های نوزدهم و بیست نشان می‌دهد، نکات معنی‌ری را در اینجا باید مد نظر داشت. یکی اینکه تا زمانی که ساخت مبلمان‌های اولیه، بیشتر صنایع دستی بود تا صنعت، فناوری در واقع میزان مهارت موجود در به‌کارگیری و کنترل یک مادهٔ به‌خصوص مانند چوب بود. در این دوره، هیچ رشد پیوسته و معنی‌داری در فناوری ساخت مبلمان وجود نداشت. برای مثال مبلمان یافت‌شده (تصویر ۳) در مقبرهٔ توتانخامون^{۲۱} از نظر هنروری و استادکاری بسیار پیراسته‌تر از هر چیزی است که در اروپا از ابتدای قرون وسطی^{۲۲} تا میانهٔ قرن هجدهم ساخته شده است.



تصویر ۳. سریر پادشاهی یافته شده در مقبرهٔ فرعون توتانخامون ۱۳۵۰ قبل از میلاد

مادهٔ اصلی که برای مبلمان به کار می‌رفت انواع چوب و امثال آن بود که نکات بسیار روشنی را برای ما بیان می‌دارد. به عنوان مثال، هنگامی که امپراتوری مستعمراتی بریتانیا گسترش پیدا می‌کرد؛ ماه‌گونی محبوب‌ترین ماده بین اثنایه‌سازان انگلیسی بود. به خاطر نیاز کارخانه‌های بریتانیایی، مستعمره‌ها مجبور به عرضهٔ مواد خام بودند. ماه‌گونی با خاصیت سختی، ضد آفت بودن و نقش‌هایی زیباتر از هر چوب بومی، یکی از این مواد خام بود.

با این حال، صحیح است بگوییم که انقلاب واقعی فناوری در ساخت مبلمان اخیراً اتفاق افتاده و همچنان در جریان است. تکنیک‌های ساخت مبلمان و حتی مواد بررسی‌شده و مناسب برای اهداف خاص، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در شصت سال اخیر نسبت به شش قرن پیش تغییر کرده است.

گروه چهارم روشی است که از مبلمان استفاده می‌شود تا شرایطی کاملاً شخصی و خصوصی برای فردی که آن را برای زندگی انتخاب می‌کند، بسازد. مبلمان خدمتکاری فانتزی است همان‌گونه که پاسخی است به نیازهای روزمره. تمامی تفکر

من معتقد نیستم که امروزه مبلمان درجاساخت راه حلِ منحصر به فرد و گریزناپذیر مشکلات زندگی مدرن است. در عوض، معتقدم که اثاثیه، هویت خود را حفظ خواهد کرد، و بیشتر از آنکه توسط معماری به مبارزه طلبیده شود در مکانی قرار دارد که مجسمه‌سازی را به مبارزه و غرض اندام فرامی‌خواند (تصویر ۷). یکی از کارهایی که جنبش‌های مدرن انجام داده‌اند، آن است که جدا از کارکرد یا آنچه می‌خواهند یا نمی‌خواهند ارائه کنند، نگاه کردن با دقت و علاقه به فرم‌ها را به ما آموخته‌ند. این بدان معناست که ما به یک محصول مانند صندلی، با نگرشی کاملاً جدید بنگریم؛ اگر قدیمی است، آگاهیم که نه فقط از جنبه خصوصیات جادویی آن، که اشاره کرده‌ام، بلکه به کیفیت آن به عنوان فرمی خالص هم توجه داریم. اگر جدید است به طور اتوماتیک آن را با مجسمه‌های معاصر که بیشتر به آن شبیه است مقایسه می‌کنیم (تصویر ۸).



تصویر ۷. صندلی دسته دار با پلاستیک و فلایرگلاس، ایمر، ۱۹۵۱ م.



تصویر ۸. استقرار اثر الکساندر کالدر، ۱۹۵۹ م.

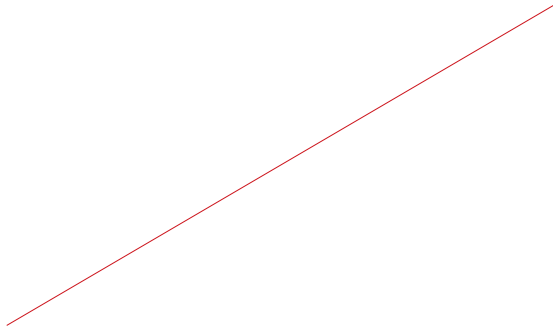
بنابراین، اثاثیه مایل است تا خود را از پس‌زمینه خویش جدا کند، تا اینکه با آن یکی شود. به‌خاطر اینکه وقتی با دقت به آن نگاه می‌کنیم، به همان اندازه که قوت یا ضعف آن را درمی‌یابیم با ظرافت‌های هنر دست نیز آشنا می‌شویم. احیاء هنر دستی که من به آن پرداخته‌ام، صرفاً به‌خاطر نشان دادنِ بی‌زاری من نسبت به بدساختی و بی‌دقتی تولیدات ماشینی نیست؛ بلکه برای تغییر این دیدگاه ما است. یکی از اهداف کلی من در نوشتن این کتاب نشان دادنِ دقیقِ مراحل است که تغییرات اتفاق افتاده‌اند.

این مطالعات و نتایج آن‌ها در جهت کسب اطلاعاتی در زمینه نحوه زندگی مردم در هر دوره، نحوه چیدمان زندگی و نوع انتظارات ایشان مؤثر بوده است. چگونه مردم پس از خوردن شام خود را مشغول می‌کرده‌اند؟ کی و کجا غذا می‌خورده‌اند؟ مطالعه مبلمان یا تلاش برای بازنگری یک فضای داخلی واقعی، می‌تواند جزئیات زیادی را برای ما بازگو کند. کنارهم گذاشتن مبلمان و تئوری‌ها، یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها و انواع توصیفات تصویر کاملی را آشکار می‌کند. با این حال، باید تشخیص داده شود اگر وقفه‌ای در امتداد روان‌شناختی جامعه اروپایی به وجود نمی‌آمد، این مطالعات ضرورتی نمی‌داشت. زمان وقوع این وقفه موضوع مباحثات زیادی است که بعضی آن را به انقلاب صنعتی نسبت می‌دهند. در واقع به نظر می‌رسد، که این وقفه بعد از شروع انقلاب صنعتی، در میانه قرن هجده اتفاق افتاده باشد، ولی قبل از وقوع آن آثارش مشاهده شده است. سال ۱۸۰۰ بهترین نمونه است. احیاگری‌های قرن نوزدهم، تلاشی بود برای کشف و بازیابی گذشته‌ای فرار و گریزان. شورش‌هایی که در برابر این احیاگری‌ها به وجود آمد ابتدا جنبش هنرها و صنایع دستی^{۲۱} سپس آرت نوو^{۲۲} و پس از آن مدرنیسم فعال که از دستایل^{۲۳} و باهاوس^{۲۴} ازیک سو و لوکوربوزیه^{۲۵} و لسپریت نوو^{۲۶} از سوی دیگر نه فقط به‌خاطر خود این شورش‌ها، بلکه به‌خاطر آن چیزی که نسبت به آن واکنش نشان می‌دادند، مهم بودند.

جاذبه‌ای برای تقسیم‌بندی اشیاء قبل از این دوره به «قدیمی» و بعد از آن کمابیش به «مدرن» وجود دارد. برای مثال عتیقه‌فروشان گاهی براینکه محصولات بعد از ۱۸۳۰ عتیقه نیستند پافشاری می‌کنند، به هر حال، موانع به واسطه علاقه شدید کلکسیونرها به آرت نوو و آرت دکو، در سال‌های اخیر برداشته شده است. درواقع مبلمان، زودتر از آنکه مورخان آن را ثبت کنند به تاریخ پیوسته است. حرکت‌هایی که من آن را حرکت‌های شورشی نام‌گذاری کرده‌ام، تلاش بسیاری کرده‌اند تا فضاهای داخلی را که ما امروزه در آن زندگی می‌کنیم، بسازند. هنوز ما آن‌ها را مدرن نام‌گذاری می‌کنیم در حالی که اکثر آن‌ها معاصر هم نیستند. باهاوس و لوکوربوزیه امروز به همان اندازه پیندیل^{۲۷} یا هیپولایت^{۲۸}، بخشی از تاریخ مبلمان هستند. یکی از جذابیت‌های تاریخ اثاثیه، آن است که چشم‌انداز آن مرتباً تغییر می‌کند. تاریخ اغلب به عنوان ابزاری برای آینده‌نگری به خدمت گرفته می‌شود. عملاً بسیاری از مردم خواهند گفت که این تنها ابزار ممکن است. چند سال پیش، هر کس کتابی در این زمینه می‌نوشت، به‌طور قطع متقاعد می‌شد که همه چیز همچون چرخه‌ای است، مبلمان اولیه کاملاً دست‌ساز بود، مبلمان اخیر نیز، یا اینکه مبلمان عضوی ست جداشده از معماری و امروزه دوباره به آنچه از آن جدا شده، متصل خواهد شد. مشخصاً بسیاری چیزها منطق این دیدگاه را تقویت می‌کردند. مبلمان، از سده‌های میانی تاکنون مرتباً تحت تأثیر معماری بوده است. تزئینات اثاثیه معمولاً از این منبع وام گرفته شده‌است (تصویر ۶). معماران مخصوصاً از قرن هجده میلادی به بعد، با اصرار بر هماهنگی کامل بین فضا و آنچه درون آن قرار می‌گیرد، تأثیر بسیار زیادی در توسعه اثاثیه داشته‌اند. نام‌های روبرت آدام^{۲۹} و چارلز رنی مکینتاش^{۳۰} فقط دو نمونه از موارد بسیاری است که در این رابطه به ذهن می‌آید.



تصویر ۶. کمد انگلیس سبک گوتیک، حدود ۱۵۰۰ م. با تزئینات معمارانه.



پی‌نوشت‌ها

۲۲. Art Nouveau تا ۱۸۹۰ سال‌های بین‌المللی در هنر، معماری و هنرهای دکوراتیو که بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۲۰ فراگیر بود
۲۳. De Stijl آغاز هنری هلندی بود که در سال ۱۹۱۷ توسط معماران و هنرمندان هلندی آغاز شد و بیشتر تا ۱۹۳۱ رواج داشت
۲۴. Bauhaus مدرسه طراحی آلمانی معروفی که بین ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ فعالیت داشت و با ترکیب هنر و صنایع دستی رویکردی جدید به طراحی را آموزش می‌داد
۲۵. Le Corbusier معمار، طراح، نقاش و نویسنده فرانسوی-سویسی که یکی از پیشگامان مدرنیسم در معماری بود (۱۸۸۷-۱۹۶۵ م.)
۲۶. L'Esprit Nouveau مجله‌ای هنری که بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ توسط لوکوربوزیه و آمِدی اوزِنفان منتشر می‌شد
۲۷. Chippendale, Thomas (۱۷۱۸-۱۷۷۹ م.) طراح و سازنده انگلیسی اثاثیه و میلمان
۲۸. Hepplewhite, George (۱۷۱۸-۱۷۸۶ م.) طراح و سازنده انگلیسی اثاثیه و میلمان در قرن ۱۸ میلادی که درکنار چپندیل و توماس شراتون یکی از سه اثاثیه‌ساز معروف انگلستان بود (۱۷۸۶-۱۷۲۷ م.)
۲۹. Robert Adam (۱۷۲۸-۱۷۹۲ م.) طراح داخلی، طراح میلمان و معمار نئوکلاسیک اسکاتلندی
۳۰. Charles Rennie Mackintosh (۱۸۶۸-۱۹۲۸ م.) هنرمند، معمار و طراح سمبولیست اسکاتلندی که کارهای وی تأثیر زیادی بر جنبش‌های هنری اروپا همچون آرت نوو داشت (۱۸۶۸-۱۹۲۸ م.)
۱. Furniture, A Concise History
۲. Lucie-Smith, Edward (2005). Furniture, A Concise History. London: Thames & Hudson Ltd.
۳. built-in میلمان نوعی از میلمان است که در محل استفاده، ساخته و نصب می‌شود
۴. Skara Brae مجموعه جزایری در شمال اسکاتلند
۵. Orkney Islands مجموعه جزایری در شمال اسکاتلند
۶. seat-furniture
۷. stool
۸. voyeuse
۹. cock-fighting
۱۰. upright chair
۱۱. Tutankhamun از فراغه مصر که بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۲۳ قبل از میلاد مسیح حکومت می‌کرده
۱۲. middle ages
۱۳. individualists دیدگاه اخلاقی فلسفه سیاسی، ایدئولوژی یا مرام فردگرایی (individualism)
۱۴. Horace Walpole مورخ، نویسنده، سیاست‌مدار و عتیقه‌شناس انگلیسی
۱۵. William Beckford کلکسیون‌دار هنرهای دکوراتیو، نویسنده، منتقد هنری و سیاست‌مدار ثروتمند
۱۶. Victorian interiors انگلیسی (۱۸۴۴-۱۷۶۰).
۱۷. Ham House خانه بسیار معروفی در منطقه هم در جنوب لندن که نمونه منحصربه‌فرد و تقریباً ۱۷ میلادی در اروپا دانسته می‌شود
۱۸. Osterley شهری قدیمی که هم‌اکنون محله‌ای در غرب لندن فعلی است.
۱۹. Malmaison کاخی فرانسوی نزدیک ساحل غربی رود سن و با فاصله‌ای ۱۵ کیلومتری در غرب پاریس
۲۰. Colonial Williamsburg نوعی موزه فضای باز در ویلیامزبورگ که نشان‌دهنده تاریخ اجتماعی این منطقه از ویرجینا آمریکا در دوران استعماری است
۲۱. Arts and Crafts Movement جنبشی بین‌المللی در هنرهای دکوراتیو که از بریتانیا آغاز شد و در اروپا و آمریکای شمالی بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ گسترش پیدا کرد